

مراسم تحلیف و چهره های کثیف

تلویزیون آریانا و تلویزیون نام نهاد ملی مراسم تحلیف حامد کرزی رئیس جمهور تحمیلی افغانستان را بصورت مستقیم پخش کردند و لحظه و به لحظه گزارش دادند و مردم و باشندگان بینوا و سرگردان کابل تمام روز در کوچه ها و سرک ها و خیابان های مزدحم و کند و کپر شهر خاک آلود و خسته کابل، سرگردان تر گردیده و خسته و ناتوان از کوچه به کوچه و از سرکی به سرکی روی می آوردند تا قوت و لایموتی برای آل و عیال خویش تهیه نمایند، ولی دریغا که به هرجهتی رو می آوردند به بن بست روی برو میگردیدند و راه کج میکردند تا از جاده دیگری دنبال کار و غریبی روزمره خویش روان شوند، ولی همه کوچه ها و سرک ها و جاده ها و خیابان ها را مسدود می یافتند و برای شان گفته میشد که مراسم تحلیف رئیس جمهور است و قیودات و تدابیر امنیتی را باید مراعات نمایند.....، یک رئیس جمهور متقلب و سازش کار و تحمیلی را بر گرده مردم مظلوم سوار میکنند و واهمه دارند و وحشت و ترس که مبادا نفیر گلوله همه را به فرار واداشته و رئیس جمهور و با کدام مهمان عالی قدری در زیر پا های عساکر اردوی ملی و پولیس ملی و امنیت ملی در حال فرار خورد و خمیر گردد و آبروی نداشتنه شان بر باد رود. پس باید قیمت آنرا مردم بینوای کابل بپردازند، چه تفاوتی میکند اگر یک روز یتیمکافی سر بی شام بر بالین بیکسی گزارند، پایان دنیا که نیست، آخر آنها به گرسنگی عادت کرده اند، فرزندان وزیر و وکیل و کفیل نیستند که اگر ((ماهیچه پلو)) در سفره حاضر نبود، روزگار مردم را سیا کنند. بیاد داریم (حاجی) محمد محقق را که موتر های کادیلک و ضد گلوله خویش را به رخ خبرنگار تلویزیون طلوع و از آن طریق به رخ مردم گرسنه و بینوا و پا برهنه و شکم گرسنه افغانستان می کشید و ((ماهیچه پلو)) تناول میکرد و فخر میفروخت و البته که او یگانه و تنها نبود و بسیار دیدیم وزرا و وکلا را که سر سفره شاهانه ای شان شش هفت نوع غذا آماده بود و چون خبرنگار از آنجا خارج میشد، ده ها و صد ها یتیم نیمه برهنه را می دیدی که از شدت سرما می لرزید و با پا های برهنه دست تکدی بسوی هر کس و ناکسی دراز میکنند و از فرط گرسنگی بخود می پیچند و چون تاریکی چیره گردد، ندانند بکجا روند و چگونه شب را سحر کنند. دریغا که شب سرد و سیا آن یتیمکافی بینوا را هرگز سحری در قبال نخواهد بود.....، اما برگردیم به مراسم تحلیف و چهره های کثیف. از اینکه حامد کرزی چه تقریر کرد و چه گفت میگذریم چون تجربه هشت سال گذشته بخوبی نشان داد که وعده ها و وعید های آن جناب در یخ نوشتن و در آفتاب گذاشتن است و خودش بار ها اقرار کرده است که ((رگ خور مره یافته اند)) و چون رگ خواب یا نکات ضعیف او را یافته اند، پس همان رگ ها را بصورت مداوم و متواتر فشار میدهند و آنچه از نامردی و نامردمی است بر مردم روا میدارند و اندر این میانه و اندرین جنگل و در مبارزه با فساد و خویش خوری و اقربا پروری و.....، صرف موش ها و موش خرما ها پامال خواهند شد و نه کفتار ها و گرگ ها و دیگر وحوش درنده و خونریز.

چهره های شناخته شده و صد ها بار امتحان گردیده و ناکام شده در این مراسم تحلیف در هر کنج و کناری به وفرت به چشم میخورد و با دیدن آن چهره های خون آلود با چشمان خون گرفته و از حدقه برآمده و گردن های کلفت و.....، بیاد همان ضرب المثل مشهور وطن می افتادی که: ((سالی که نیکوست، از بهارش پیداست)) و بهار مردم افغانستان همچو سال های پار و پیرار سرد و کرخت مینماید که هیچنوع گلی در قفا ندارد و شاخ و برکی در دیدرس نیست که نیست. شاعری چه خوش گفته است:

گرفتم نوبهار آمد، چه گل دارد در این گلشن همان آئینه دار وحشت پار است، امسالش

و مصداق این شعر نغز را از حضور چهره های عبوس و تنفر آوری میتوان درک کرد که در مراسم تحلیف رئیس جمهور تحمیلی حضور بهم رسانیده بودند و جناب حامد کرزی را در محاصره خویش داشتند و این قیافه های وحشتناک از قسیم فهم و کریم خلیلی آغاز گردیده با صبغت الله مجددی ادامه یافته و به رشید دوستم و رسول سیاف میرسد و انتهای آن نا معلوم است. همین ها هستند که چون مار های افعی کرزی را در چنبره خویش دارند و هر آن آماده نیش زدن و زهر پراگنی اند و با همین ها رئیس جمهور تحمیلی میخواد پنج سال دیگر حکمروائی نماید و با همین ها دم از مبارزه با فساد میزند و با همین ها خیال دارد تا امنیت مردم را تامین نماید. صبغت الله مجددی همان فردیست که در لویه

جرگه قانون اساسی ، **دخت مبارز و افتخار افغانستان (ملالی جویا)** را (کافر) خطاب کرد و همان فردیست که در همان لویه جرگه خطاب به همقطاران خود فریاد برآورد که: **((اگه رای میتین خوب ، اگه نه میتین بلایم ده پس تان))** و این همان کسی است که به حکم رهائی (پرویز کامبخش) از زندان اعتراض کرد و خواهان اعدام وی گردید و باز این همان فردیست که (استخاره) کرده بود که کرزی رئیس جمهور است و دیدیم که فرزند دلبند وی با چه نرادی ها و ترفند ها و شعبده بازی ها و تقلب کاری ها بار دیگر به کرسی ریاست جمهوری نصب گردید و صبغت الله جان در (استخاره) خود همه و همه را دیده بود و اطمینان کامل داشت که فرزند دلبندش به ریاست جمهوری کشور ویرانه ما حتماً و حتماً نصب شدنی است و نیز در تلویزیون ها مشاهده کردیم که آقای مجددی هنگام مصافحه با وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا (خانم هیلری کلینتن)، خم شده بود و میخواست دستان وی را ببوسد ، اما از موجودیت خبرنگاران و کمره های فیلم برداری خجالت کشید واز قسیم فهیم خادیسیت که حامد کرزی هم از شکنجه های وی در زمان ربانی- مسعود در امان نمانده است و این که مارشال صاحب اعزازی باری از چاپ و نشر یک کتاب به وحشت افتاده بود و در سالگرد کودتای هشتم ثور با شنیدن نفیر یک گلوله ، با سرعت برق از صحنه فرار کرده بود ، هر قدر گفته شود کم است. این فرد شرور نه تنها با روس ها و ایرانی ها در زد و بند قرار دارد بلکه در کشته شدن احمد شاه مسعود نیز با سیاف و القاعده در همکاری تنگاتنگ قرار داشته است و همین اکنون نیز در رساندن سلاح به طالبان دست دارد و در هزار و یک رشته مخفی و هویدا پیچ خورده است. از کریم خلیلی و محمد محقق (ماهیچه خور) و رشید دوستم آدم خور و، هر چه بگوئیم ، کم است و مثنوی هفتاد من کاغذ بکار دارد، ولی همین اندازه باید تذکر داد که در دور اول دومین انتخابات ریاست جمهوری، یعنی همین چند ماه قبل زمانیکه حامد کرزی ، رشید دوستم را از تبعید در ترکیه ، به افغانستان فرا خواند تا در زد و بند های سیاسی و سازش های تنگین و شرم آور از وی بصورت ابزاری استفاده نماید ، با فشار های شدید مقامات امریکائی و ملل متحد، در ظرف دو روز از افغانستان اخراج گردید و دوباره نزد اربابان ترکی خویش برگشت ، اما با تاسف و تأثر مشاهده کردیم که در مراسم تحلیف حامد کرزی حضور داشت و در همان محل و در زیر یک سقف با هیلری کلینتن ، وزیر خارجه آمریکا و دیگر مقامات بلند رتبه امریکائی و اروپائی و نمایندگان ملل متحد، جز مدعوین و مهمانان قرار داشت و صد البته که این از نظر تیزبین وزیر خارجه امریکا پنهان نمانده است. اما اینکه چه بازی هائی در شرف وقوع است و چه سناریو هائی در حال اجرا و در پس پرده چه ساخت و بافت هائی در حال تکوین است به خدای حق معلوم و اما هرچه است خبر خوشی برای مردم زجر دیده افغانستان در خون خفته به ارمغان ندارد. از دیگر چهره های شناخته شده که در مراسم تحلیف حضور داشتند یکی وزیر دفاع ملی بود که به حیث نطق از وی کار گرفتند و در همان دقایق نخست نطقی دچار لرزش اندام و لکنتی زبان گردید. وزیر خارجه غیر قانونی جناب کرزی (داکتر رنگین داد فر اسپنتا) ، یکی دیگر از اشتراک کنندگان در محفل بود که قرار و آرام نداشت و مشغول خوش خدمتی بود تا باشد بار دگر در چوکی وزارت نصب گردد. اگر از دیگر چهره های کثیف و منفور و مطرود جامعه که حامد کرزی را در احاطه خود قرار داده بودند و هر کاره محفل بودند ، نام ببریم ، سخن به درازا میکشد که ما را سر آن نیست تا بدان بپردازیم و به همین ((مشت نمونه خروار و کمی از بسیار)) بسنده کرده و قضاوت را به مردم شریف افغانستان وا میگذاریم و علاوه میکنیم ، آنکه نتوانست و یا نخواست و یا شهامت آنرا نداشت تا در هشت سال گذشته، قدمی در راه مصالح ملی کشور گزارد و غیر از سازش و کرنش کاری را بلد نبود انجام دهد و کشور را به پرتگاه مهیبی سوق داد، چگونه یک شبه ره صد ساله خواهد رفت و کشور را از پرتگاهی که رهنمائی کرده است ، نجات خواهد داد؟! اگر ایشان واقعاً و حقیقتاً و از روی صدق و صفا در گفتار خویش صادق اند و از خواب گران هشت ساله بیدار گردیده اند، در قدم نخست مبارزه با فساد، برادر جلیل القدر خود شان جناب (احمد ولی جان کرزی) را به پای میز محکمه بکشانند و بعد هم معاون اول خود مارشال اعزازی (قسیم فهیم) را، تا باشد اعتماد از دست رفته شانرا دوباره بدست آورند.

